

## تأثیر فرهنگ عاشورا بر هنرهای نمایشی ایران

تهران (پانا) - فرهنگ عاشورا در تمام صحنه های هنر ما حضور فعال دارد؛ در صحنه ادبیات، نمایش، طراحی، خطاطی و... و در پرتو آن هنرهایی به وجود آمده است که قطعاً مخصوص شیعه و در خدمت عزاداری سیدالشهداء(ع) است مانند تعزیه خوانی، آرایش دسته جات عزاداری، درست کردن علامت ها و پرچم ها و بیرق ها و... و از میان این امور به یکی از مهمترین و مؤثرترین آنها خواهیم پرداخت و آن عبارت است از هنرهای نمایشی در فرهنگ عاشورا. از این نوع هنرهای نمایشی مردم ما به عنوان تعزیه خوانی یاد می کنند.

هنر تعزیه خوانی یکی از ثمرات شیرین و دلپذیر فرهنگ عاشورا است که در صورت تقویت و اصلاح آن می توان از این هنر مذهبی هم در جهت سوگواری و عزاداری سالار شهیدان و هم در جهت آموزش حقایق و معارف اسلامی به نحو مطلوبی استفاده کرد. تعزیه مجموعه ای است دلپذیر و شیرین، زیبا و غنی که از عناصر پرجاذبه شعر، نقالی، سخنوری، موسیقی... به خوبی استفاده می نماید و در حقیقت یکی از امکانات و وسایل مفید و مؤثر تبلیغات تشیع به حساب می آید و مکتبی است برای آموزش اصول و مبانی دینی و اخلاقی و پرورش استعدادها. و لکن با کمال تأسف یک سری نقطه ضعف های اساسی در پیکره این هنر دینی رسوخ کرده که در صورت عدم تصفیه آن، این مجموعه هنری را نه تنها از رسالت خود باز می دارد بلکه به عنوان یک عامل مخدر و منحرف کننده وانمود خواهد کرد. ما در این نوشتار ابتدا تاریخچه تعزیه خوانی در ایران را از نظر می گذرانیم و سپس به طرح و بررسی انظار فقیهان در باب تعزیه خوانی خواهیم پرداخت و در پایان اشکالات وارده بر آن را رسیدگی خواهیم کرد.

### تاریخچه

در مورد تاریخ پیدایش تعزیه در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست. بیشتر کسانی که در این زمینه تحقیق کرده اند مبدأ پیدایش آن را اواخر دوره صفویه ذکر کرده اند. پتر. جی. چلکووسکی می نویسد:

تعزیه... تدریجاً پس از سده ها به واسطه عوامل مختلف اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، هنری و فلسفی پدید آمد. گفته می شود شکل رایج آن در خلال سالهای آخر دوران صفویه به وجود آمده است. تعزیه نخست در میان عوام - اعم از روستاها و شهرها - ریشه گرفت و سرانجام توجه اکثریت نخبگان مملکت را جلب کرد. این پیدایش در نقاط مختلف به صورت همزمان نبود. با این همه حتی امروز نیز در اکثر روستاها و شهرهای کوچک ایران تعزیه شکل مذهبی خودش را حفظ کرده است. [۱۸]; [۱۹]

نویسندگان و سیاحانی که در دوره صفویه و قاجاریه به ایران آمده اند و شرح مسافرت و دیدنیهای خود را نگاشته اند مطالب بسیار جالب و خواندنی در مورد مراسم تعزیه خوانی، سینه زنی و... نوشته اند. سرهنگ گاسپال دروویل که در سال ۱۲۰۰ شمسی به تهران آمده در سفرنامه خود درباره تعزیه می نویسد:

فاجعه قتل امام حسین(ع) سوژه تشریفات و مراسم عزاداری خاصی است و اشک پیروان علی را روان می سازد. پیش از ظهر روز اول ماه محرم صحنه های مختلف فاجعه مزبور و روز دهم شهادت جانگداز حسین نمایش داده می شود این صحنه های مهیج در کوچه و بازار و میدانهای بزرگ و منازل دولتمندان نمایش داده می شود. نمایش در حضور شاه با تشریفات بیشتری همراه است. اما مهمترین مرحله نمایش روز دهم ماه محرم بر صحنه می آید. در آن روز یکی از درباریان که ایفای نقش حسین بن علی(ع) به وی محول شده است با سوارانی به تعداد همراهان حسین به هنگام عزیمت به کوفه به میدان می

آید. ناگهان عبیدالله زیاد در رأس چندین هزار سرباز سر می رسد. اما امام حسین از تسلیم و بیعت سرباز می زند و با وجود همراهان معدود خویش با شجاعت و شهامت بی نظیر به جنگ ادامه می دهد. من از دیدن این صحنه جانگداز که چیزی از واقعیت کم نداشت به حیرت افتادم، حیرت من وقتی فزونتر شد که دیدم پس از پایان نمایش از چهار هزار تن سوار که بدون رعایت نظم و احتیاط به جان هم افتاده بودند حتی یک تن نیز زخمی نشده است مراسم تعزیه در میان قبایل و طوایف مختلف با تغییرات کم و بیش زیادی انجام می گیرد ولی در هر حال اساس آن یکی است. [۲۴]; [۲۵]

اوژن فلاندن که در سال ۱۲۲۸ شمسی شاهد برگزاری مراسم تعزیه در ایران بوده می نویسد:

«منظره ای که بیشتر مرا جلب کرد، جنگی بود که میان پیروان خاندان حسین و لشکر یزید اتفاق افتاد و این منظره چنان اثر می کرد که انسان به شک می افتاد که نکند حقیقی باشد. جنگجویان پیوسته بر شدت حرکات خود افزوده کوشش و مجاهدت را بجایی می رساندند که باید طرف کشته شود. [۳]; [۳۴]

در دوره سلسله قاجاریه، تعزیه خوانی هم از نظر محتوی و هم از نظر کیفیت و هم از نظر نحوه برگزاری محل آن به اوج تکامل رسید. کنت گوینو می نویسد:

«مشهورترین این نمایشها در ماه محرم اجرا می شود و موضوع آن قتل فرزند علی و خانواده اش در صحرای کربلا است. این نمایش که تعزیه نام دارد ده روز طول می کشد و هر روز سه، چهار ساعت اجرا می شود. [۴]; [۴۴]

مهمترین تکیه ای که در دوره قاجاریه در آن نمایش تعزیه اجرا می شد، تکیه دولت بود که در سال ۱۲۴۸ شمسی به دستور ناصرالدین شاه و مباشرت دوستعلی خان مشیرالممالک با گنجایش ۲۰ هزار نفر و صرف معادل ۱۵۰ هزار تومان ساخته شد. بعد از ناصرالدین شاه تکیه دولت و تعزیه خوانی به کلی ممنوع شد و با رواج رادیو و تلویزیون و سینما و پدیدار گشتن انواع سرگرمی های مدرن شبیه خوانی برای ادامه حیات خود به روستاهای کشور پناه برد.

نظر فقها در باب تعزیه خوانی

غالب فقیهان در برخورد با تعزیه خوانی سیاست مدارا در پیش گرفته و با ذکر یک سری شرایط و قیود اجرای آن را مجاز شمرده اند. مرحوم میرزای قمی [۵]، شیخ جعفر کاشف الغطاء [۶]، میرزای نائینی [۷]، و... طرفدار این دیدگاه هستند.

مرحوم میرزای نائینی می نویسد:

الثالثه: الظاهر عدم الأشكال في جواز التشبيهاً و التمثيلات التي جرت عادة الشيعة الإمامية باتخاذها لإقامة العزاء و البكاء و الإبطاء منذ قرون و ان تضمنت لبس الرجال ملابس النساء على الاقوى لكننا فائاً و ان كنا متشككين سابقاً في جواز و قیدنا جواز التمثيل في الفتوى الصادرة منا قبل اربع سنوات لكننا لاراجعنا المسألة ثانياً اتضح عندنا ان المحرم من تشبيه الرجل بالمرأة هو ما كان خروجاً عن زي الرجال رأساً و اخذاً بزي النساء دونما اذا تلبس بملابسها مقداراً من الزمان بلاتبدال لزيه كما هو الحال في هذه التشبيهاً و فيه استدرکنا ذلك اخيراً في حواشينا على العروة الوثقى. نعم يلزم نزيها ايضاً من المحرمات الشرعية و ان كانت على فرض وقوعها لاتسرى حرمتها الى التشبيه كما تقدم. [۸]; [۸۸]

ظاهر این است که هیچ اشکالی در جواز تشبیهات و تمثیلات که چند قرن است میان شیعیان به منظور به یادداشتن عزای سیدالشهداء (ع) و گریاندن و تباهی بر آن حضرت رایج شده، وجود ندارد گرچه متضمن پوشیدن مردان لباس زنان باشد. علی الاقوی. گرچه ما پیش از این در جواز آن اشکال داشتیم و در فتوایی که چهار سال پیش صادر نمودیم حکم به جواز را مقید ساختیم و لکن چون دوباره به ادله مراجعه نمودیم بر ما آشکار شد که روایات دال بر حرمت تشبیه مرد به زن، موردی را شامل می شود که مرد از زی مردان بیرون آمده و زی زنانه پیدا نماید، نه اینکه صرفاً در مدت اندکی بدون هیچ تبدل در زی و رفتار لباس زنانه به تن نماید چنانکه در اینگونه شبیه خوانی ها وجود دارد. و این حکم را اخیراً در حواشی خود بر عروة الوثقى استدرک نمودیم، آری پاک کردن تعزیه خوانی را از محرمات شرعی لازم می دانیم گرچه در صورت ارتکاب حرام،

حرمت آن به اصل شبیه خوانی، سرایت نمی نماید.

پس از آنکه این فتوای محکم و متین از طرف مرحوم میرزای نائینی صادر گردید به محضر بقیه علما و مراجع عرضه شد و هر کدام نظر خود مبنی بر جواز تعزیه خوانی را ذیل آن مرقوم فرمودند از جمله کسانی که فتوای فوق را مورد تأیید قرار دادند عبارتند از محسن طباطبایی حکیم [۹]، سید محمود حسینی شاهرودی [۱۰]، محمد حسین آل کاشف الغطاء [۱۱]، سید ابوالقاسم موسوی خوئی [۱۲] و... حضرت امام خمینی (ره) نیز در پاسخ استفتایی که از محضر مبارکشان در باب شبیه خوانی شده مرقوم فرموده اند:

«شبیه خوانی اگر مشتمل بر محرّمات و موجب وهن مذهب نباشد مانع ندارد اگرچه روضه خوانی بهتر است و عزاداری برای سید مظلومان از افضل قربات است.» [۱۳]

در مقابل تعدادی از علما به خاطر مشتمل بودن تعزیه خوانی های متعارف بر یک سری اشکالات شرعی با اجرای اینگونه نمایش ها به مخالفت برخاستند نظیر شیخ جعفر شوشتری [۱۴] و شیخ هادی نجم آبادی [۱۵] که از ناصرالدین شاه تقاضا کردند که شبیه خوانی را موقوف نماید و شاید مخالفت های این دسته از علماء باعث شد که امیرکبیر صدراعظم شاه از اجرای تعزیه خوانی جلوگیری نماید. بعضی از نویسندگان معاصر این حرکت امیرکبیر را یک حرکت اصلاحی و خرافات زدایانه معرفی نموده اند. جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور محترم می نویسد:

«امیر کبیر با بعضی از مظاهر عزاداری که مناسب با روح اسلام هم نیست مخالفت کرد... و یا با خرافات دیگر که مانند ننگ و عار دین است مبارزه کرد... و نیز درصدد بود که وضع روضه خوانی و تعزیه داری را به صورت آبرومند و دنیاپسندی در آورد.» [۱۶]

اشکالات وارده بر تعزیه خوانی

نقاط ضعف و اشکالات وارده بر تعزیه خوانی را به دو قسمت می توان تقسیم نمود:

الف - نحوه اجرا و شکل ظاهری

اشکالات گوناگونی بر نحوه اجرا و شکل ظاهری این نوع نمایش ها گرفته شده که بخشی از آنها وارد و لکن عمده اشکالات غیر وارد هستند که در این قسمت به بررسی آنها می پردازیم.

۱- اشکال تشبّه مردان به زنان و بالعکس

زیرا در اینگونه نمایش ها مردان در نقش زنان ایفاء نقش می نمایند. این اشکال اختصاص به تعزیه خوانی ها ندارد و در هر نمایشی ممکن است اتفاق بیافتد لذا لازم است تأمل بیشتری پیرامون آن انجام پذیرد و بررسی شود که از نظر فقهی تشبّه مردان به زنان و بالعکس چه حکمی دارد؟ و آیا اگر مردان در لباس زنان و بالعکس ایفاء نقش نمایند از مصادیق تشبّه محسوب می گردد یا نه؟

انظار فقیهان در باب تشبّه:

مسأله فوق از زمان مرحوم محقق صاحب شرایع در کتابهای فقهی راه یافته مرحوم محقق بحث را تحت عنوان «تزیین الرجال بما یحرم علیه» [۱۷] (آرایش مرد با چیزی که بر او حرام است) مطرح نموده و فقیهان دیگر نظیر علامه حلی [۱۸]، شهید اول [۱۹] و... از محقق متأثر شده و مسأله را با همین عنوان مطرح نموده اند. ظاهر عبارت فوق دلالت بر حرمت آرایش مرد با طلا و حریر و سایر اموری که بر مردان حرام است، می نماید و لکن محقق کرکی در جامع المقاصد [۲۰] و شهید ثانی در مسالک الاحکام [۲۱] و روضة البهیة [۲۲] آن را به گونه ای تفسیر نموده اند که شامل پوشیدن هر یک از زن و مرد لباس مخصوص دیگری را نیز می شود.

مرحوم محقق کرکی می نویسد:

«کما لو لبس کل منها زینة الآخر» [۲۳];

مانند اینکه هر یک از زن و مرد زینت دیگری را بپوشد.

و شهید ثانی با صراحت بیشتری مسأله را مطرح کرده و می نویسد:

«کلبس الرجل السوار و الخلال و الثياب المختصة بها عادة و یختلف ذالک باختلاف الأزمان والأصناع... و کلبس المرأة ما یختص بالرجل بالمنطقه و العمامة» [۲۴];

مانند اینکه مرد النگو، خلخال و لباس هایی که بطور عادی مخصوص زنان است بپوشد و این به اختلاف زمانها و مکانها مختلف می شود و مانند پوشیدن زن لباس مخصوص به مرد را مانند کمربند و عمامه. فقیهان پس از این دو محقق فرزانه تفسیر فوق را پسندیده و فتوا به حرمت پوشیدن هر یک از زن و مرد، لباس مختص به دیگری را داده اند.

نظر دیگری نیز در این مسأله وجود دارد که در میان فقیهان معاصر شهرت به سزایی پیدا نموده و آن عبارت است از عدم حرمت تشبه و پوشیدن هر یک از زن و مرد لباس مخصوص به دیگری را. ظاهراً اولین کسی که به ادله حرمت تشبه خدشه وارد نموده مرحوم مقدس اردبیلی است، وی می نویسد:

«و لعلّ دلیله الأجماع و انه نوع غش و هو محرم والاجماع غیر ظاهر فیما قبل و کذا کونه غشاً و هو ظاهر» [۲۵]

شاید دلیل حرمت تشبه اجماع باشد و اینکه آن نوعی غش است و غش حرام است اجماع که ظهوری در حرمت تشبه ندارد و نیز غش بودن هم ظهوری در مسأله ندارد. مرحوم مقدس اردبیلی اشاره ای به روایاتی که در باب تشبه وارد شده نکرده است و شاید به نظر ایشان روایات به خاطر ضعف سند قابل استدلال نمی باشند مرحوم شیخ یوسف بحرانی [۲۶]، شیخ انصاری [۲۷]، سید طباطبائی یزدی [۲۸]، حکیم [۲۹]، خوئی [۳۰]، شاهرودی [۳۱] و... از طرفداران این دیدگاه محسوب می گردند.

در میان فقیهان اهل سنت نیز همین دو نظر وجود دارد و لکن نظر غالب در میان آنان حرمت تشبه مردان به زنان و بالعکس است. ابن حجر مکی رستمی پس از آنکه تشبه را در شمار کبائر آورده می نویسد:

«عد هذا من الكبائر واضح لما عرفت من هذه الاحداث الصحیحه و ما فیها من الوعيد الشدید. و الذی رأیته لأئمتنا ان ذلک التشبه فیهِ قولان احدهما انه حرام و صححه النودی بل صویه و ثانيهما انه مکروه و صححه الرافعی فی موضع» [۳۲];

تشبه را از کبائر شمردن روشن است بخاطر آنچه شناختی، از دلالت احادیث صحیح بر حرمت و آنچه در آن روایات بود از وعید شدید. به نظر می رسد رهبران ما در باب تشبه دو قول دارند یکی اینکه تشبه حرام است این نظر را نودی تصحیح کرده و صواب شمرده است و دوم اینکه آن مکروه است و این را رافعی در موضعی تصحیح نموده است.

ادله قائلین به حرمت

فقیهانی که به حرمت تشبه فتوا داده اند به دلایلی تمسک نموده اند مهمترین دلیل آنها سه دسته از روایات است:

دسته اول: روایاتی که به طور مطلق بر حرمت تشبه هر یک از زن و مرد به یکدیگر تصریح دارند که مهمترین آنها این حدیث نبوی است:

عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابی جعفر (ع) قال: قال رسول الله:

«لعن الله... المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال» [۳۳];

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید:

خدا لعنت نماید... مردانی را که خود را شبیه زنان نمایند و زنانی را که خود را شبیه مردان گردانند.

روایت از ناحیه سند ضعیف است زیرا در سند عمرو بن شمر واقع شده که رجال شناسان مانند نجاشی او را به شدت تضعیف کرده اند [۳۴] و اینکه بعضی گفته اند قصور سند با فتوای مشهور جبران می شود تمام نیست زیرا فتوای مشهور مطابق با روایت نیست و این در قسمت دلالت روایت بیشتر روشن خواهد شد.

تعدادی از فقها در دلالت روایت بر مدعی خدشه نموده اند از آن جمله شیخ یوسف بحرانی در الحدائق [۳۵]، محمد جواد حسینی عاملی در مفتاح الکرامه [۳۶]، شیخ انصاری در مکاسب [۳۷] و ابوالقاسم خوئی در مصباح الفقیه [۳۸] می باشند.

«لقم قدورد فی بعض الأخبار لعن المتشبهین بالنساء و لعن المتشبهات بالرجال الا ان الظاهر منها باعتبار حمل بعضها علی بعض انما هو لابعبار التأنت و عدمه لاعتبار اللبس و الزی» [۳۹];

آری در بعضی اخبار مردانی که خود را شبیه زنان می سازند و نیز زنانی که خود را متشبه به مردان می گردانند لعن شده اند جز آنکه ظاهر آن اخبار - در مقام جمع بندی و حمل بعض بر بعض - این است که این لعن بخاطر تأنت و عدم آن می باشد و نه بخاطر پوشش تنها یا زی و رفتار فقط.

مرحوم شیخ انصاری نیز همین ادعا را کرده [۴۰] و برای اثبات مدعای خود سه روایت نقل نموده که در آن روایات امامان (علیهم السلام) کلام پیامبر را در موارد مساحقه و لواط تطبیق نموده اند بویژه روایت ابی خدیجه که منحصر می کند که سخن پیامبر را به اینگونه موارد.

«عن ابی خدیجه عن ابی عبدالله قال: لعن رسول الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال و هم المختنون و اللاتی ینکنن بعضهن بعضاً» [۴۱];

امام صادق (ع) می فرماید: پیامبر گرامی اسلام (ص) مردانی را که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان گردانند لعنت نموده و آنان عبارتند از مردانی که ملوط واقع می گردند و زنانی که مساحقه می کنند.

تعدادی از فقهاء همانند مرحوم ایروانی [۴۲]، سید محمد کاظم یزدی [۴۳] با اینکه حصر وارده در روایت ابی خدیجه را می پذیرند با این وصف سعی می کنند آن را به گونه ای توجیه نمایند که با حمل نبوی بر معنای عامش منافاتی نداشته باشد لذا سید یزدی می نویسد:

«و قوله فی روایة خدیجه... المختنون» و ان كان ظاهراً فی الحصر الا انه يمكن من باب ذکر الفرد الأعلى مع امکان دعوی تعدد النبوی ففی احدهما ارادة خصوص هذا المعنى و فی الآخر الاعم فتأمل» [۴۴];

روایت ابی خدیجه که می فرماید: آنان مختنان هستند گرچه سخن پیامبر را منحصر به این معنی می کند. جز آنکه امکان دارد ذکر این گروه از باب ذکر فرد اعلی باشد. افزون بر اینکه امکان ادعای تعدد نبوی نیز وجود دارد که در یکی تنها این معنا (تختن) اراده شده و در دیگری معنای عام تشبه اراده شده باشد.

مرحوم آیه الله خوانساری نیز از طریق تعدد روایت خواسته عموم نبوی را حفظ نماید [۴۵]، اما آنچه این بزرگواران در باب تعدد روایت فرموده اند ادعایی بیش نیست و افزون بر اینکه خلاف ظاهر نیز هست زیرا ظاهر این است که امام صادق و امام باقر به یک روایت نظر داشته اند. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی [۴۶] و آیه الله خوئی [۴۷] تفسیر دیگری از روایت نبوی دارند که بخاطر اختصار از نقل آن صرف نظر می نماییم. تا اینجا روشن شد که روایت نبوی دلالتی بر حرمت تشبه به

معنای مورد نظر ندارد بلکه منظور از تشبه در روایت نبوی ملوط واقع گردیدن مردان و مساحقه زنان می باشد به قرینه روایت ابی خدیجه.

دسته دوم از روایات روایاتی است که دلالت بر حرمت تشبه به معنای مورد نظر ما دارد. و دلالت بر حرمت تشبه در خصوص لباس می نماید. در این زمینه دو روایت نقل شده.

۱- روایت سماعه عن ابی عبدالله فی الرجال یجر ثیابه قال انی لأکره ان یتشبه بالنساء [۴۸]; [raquo;

امام صادق(ع) در مورد مردی که جامه اش از بلندی بر زمین کشیده می شد فرمود من از تشبه به زنان کراهت دارم.

۲- عن ابی عبدالله(ع) عن آباءه(ع) قال کان رسول الله(ص) یزجر الرجل ان یتشبه بالنساء و ینهی المرأة ان تتشبه بالرجال فی لباسها [۴۹].

پیامبر گرامی اسلام(ص) مردان را از تشبه به زنان و زنان را از تشبه به مردان در لباس نهی می نمود.

بررسی:

این دو روایت از نظر سند مرسله هستند و قابل استدلال نمی باشند و از نظر دلالت بر حرمت نیز مورد مناقشه واقع شده اند خصوصاً روایت اولی به قرینه مورد دلالت دارد که منظور از کراهت آورده در روایت همان کراهت اصطلاحی است و آن قرینه این است که ما از خارج می دانیم که (جر الثوب - کشیده شدن جامه به زمین) از محرّمات شرعی نمی باشد.

دسته سوم: تعدادی از فقیهان به روایات شهرت [۵۰] نیز برای اثبات حرمت تشبه استدلال کرده اند به این تقریب که پوشیدن لباس زنان موجب اشتهار مردان است و در روایات از پوشیدن هر لباسی که موجب شهرت باشد نهی شده.

بررسی:

در این باب فقط یک روایت صحیح وجود دارد و آن روایت &laquo;ابی ایوب الخزاز&raquo; است از امام صادق که آن حضرت فرمودند

&laquo;ان الله یبغض شهرة اللباس& [۵۱]; [raquo;

خدای متعال لباس شهرت را دشمن دارد

و این روایت هیچ دلالتی بر حرمت تشبه ندارد زیرا این روایت می گوید لباس شهرت مبعوض است و اگر پوشیدن لباس زنان موجب شهرت مردان یا پوشیدن لباس مردان موجب شهرت زنان می گردد در این صورت حرمت از باب شهرت خواهد بود نه از باب تشبه در نتیجه عنوان تشبه خودش از عناوین حرام نخواهد بود بلکه تحقق شهرت خواهد بود که از عناوین حرام است.

تاکنون ثابت گردید که تشبه از عناوین محرم شرعی نیست بنابراین بر پوشیدن مردان لباس زنان را و بالعکس در نمایش ها و تعزیه خوانی ها فرضاً عنوان تشبه صادق باشد، حرام نخواهد بود، مرحوم آیه الله خوئی(ره) می نویسد:

&laquo;و قد تجلی مما ذکرناه انه لاشک فی جواز لبس الرجال لباس المرأة لإظهار الحزن و تجسم قضیة الطّف و اقامة التعزیه سید شباب اهل الجنة(ع) و توهم حرمته لأخبار النهی عن التشبه ناشی من الوسوس الشیطانیة فانک قد عرفت عدم دلالتها علی حرمة التشبیه& [۵۲]; [raquo;

از گذشته معلوم گشت که در جواز لبس مردان لباس زنان را برای اظهار حزن و تجسم قضیه کربلا و اقامه تعزیه برای سید

جوانان بهشت شکی نمی باشد و توهم حرمت آن بخاطر نهی از تشبه که در روایات آمده ناشی از وسوسه های شیطانی است زیرا عدم دلالت آنها بر حرمت پیشتر شناختی. افزون بر آنکه بر فرض تسلیم و قبول دلالت ادله حرمت تشبه بر آن هیچ دلالتی بر ممنوع بودن ایفاء نقش جنس مخالف در نمایش ها نمی نماید. و این قبیل ایفاء نقشها از مصادیق تشبه محسوب نمی گردد زیرا تشبه از مفاهیم عرفی است و از نظر عرفی در جائی این عنوان صادق است که مردان بر خلاف متعارف زمان خود و بدون هیچ داعی و انگیزه عقلانی شکل و شمایل زنانه به خود گرفته و لباس مخصوص زنان را بپوشند و یا زنان لباسهای ویژه مردان را به تن کرده و به شکل و شمایل آنان خود را درآورده و این عمل را زی و روش زندگی خود قرار دهند. حضرت آیه الله خوئی به همین معنایی که عرض شد در تفسیر تشبه تصریح دارند و مرحوم نائینی نیز به مطلب اشاره نموده می نویسد:

«ان المحرم من تشبیه الرجال بالمرأة هو ما كان خروجاً عن زي الرجال رأساً و اخذاً بزي النساء دونما اذا تلبس بملابسها مقداراً من الزمان بلا تبدیل لزيه كما هو الحال في هذه التشبهات»[۵۳];

آنچه از تشبیه مرد به زن حرام است موردی است که مرد از زی مردان بیرون آمده و زی زنانه به خود گیرد نه اینکه صرفاً در مدت اندکی از زمان بدون هیچگونه تبدل در زی، لباس زنان را به تن نماید. چنانکه در این نوع تشبیه خوانی ها وجود دارد.

اشکال تشبه به امامان معصوم و دشمنان آنان

یکی دیگر از اشکالات وارده بر تعزیه خوانی ها این است که در این نوع نمایش ها عده ای از افراد عادی در نقش امام حسین(ع) امام سجاد و... و عده ای در نقش شمر و عمر سعد و... بازی می نمایند و این امور از نظر شرعی ممنوع است.

این اشکال در سایر هنرهای نمایشی نیز مطرح است بنابراین لازم است حکم آن از دیدگاه فقهی مورد بررسی قرار گیرد. مسأله فوق از زمان قاجاریه که تعزیه خوانی در ایران شهرت و رواج پیدا نمود به کتابهای فقهی راه پیدا کرد و تعدادی از فقیهان نامدار شیعه به ابراز عقیده در پیرامون آن پرداختند. شایان ذکر است که اکثر فقیهان که مسأله را مطرح ساخته اند در مقام دفاع از آن بر آمده و به جواز اینگونه تشبه ها فتوا داده اند.

مرحوم میرزای قمی(ره) در پاسخ این سؤال که: آیا جایز است در ایام عاشورا تشبیه به صورت امام یا دشمنان اهل بیت به جهت گریانیدن مردم؟ می نویسد:

«در تشبیه به معصوم و نیکان راه منعی در نظر نیست و عمومات رجحان بکاء و ابکاء و تباکی بر سیدالشهداء و تابعان ایشان بر آن دلالت دارد و شکی نیست که اعانت بر آن است»[۵۴];

مرحوم شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء می نویسد:

«مباح فی ذاته و ان كان بتشبيه الادنى بالاعلى و السافل بالسامى و الشريف بالعامى و ذى الميزه بالعادى»[۵۵]

تشبه به امامان (علیهم السلام) ذاتاً مباح است، اگر چه از نوع تشبیه پست به عالی و شریف به عامی و افراد صاحب امتیاز به افراد عادی باشد.

از جمله فقیهانی که بطور صریح در این موضوع ابراز عقیده نموده مرحوم حضرت آیه الله خوئی(ره) است که ذیل سؤال و پاسخ را نقل می نمایم:

«هل يجوز عمل اخراج فيلم تاريخى عن النبى(ص) و عن الأئمة و ما الحكم بالنسبه الى اظهارهم فى الممثلين؟ هل لای ممثل ان یمثل دورهم، ام ینبغى ان یکون مؤمناً؟ و ما الحكم فى اظهار الطاهرين غیر المعصومين كالعباس و سلمان و ابی طالب و غیرهم و ما الحكم فى اظهار الأنبياء السابقين کذالك؟

ج: المناط فی الجميع واحد والحکم سوی و هو الجواز و لا بأس اذا لم یکن العمل هتکاً و لا مؤدیاً یوماً الی هتکهم و هتک اولیاء الدین، فاذا کان هذا الشرط مضموناً فانه یجوز؛ [۵۶]

؛ آیا جایز است تهیه فیلم تاریخی از پیامبر(ص) و ائمه(ع)؟ و بازی نمودن در نقش آنان چه حکمی دارد؟ آیا هر کس می تواند در نقش آنان بازی نماید یا اینکه باید مؤمن باشد؟ و نیز بازی کردن در نقش انسانهای پاک غیر از معصومان نظیر عباس، سلمان و ابی طالب و غیر آنان چه حکمی دارد؟ و نیز بازی کردن در نقش پیامبران گذشته چگونه است؟ پاسخ: در همه مناظ یکی است. همه در حکم به جواز مساوی هستند. و اگر این اعمال هتک آنان و یا موجب هتک نگردد باکی در آن نیست. در صورت تضمین این شرط این نمایش ها جایز است.

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید علی یزدی نیز از جمله فقیهانی هستند که بر جواز تشبّه به امامان و اعداء آنان تصریح کرده اند. علاوه حکم به جواز را از فتوای آن دسته از فقیهانی که بطور کلی حکم به جواز شبیه خوانی داده اند، می توان به دست آورد، زیرا تشبه به امامان و دشمنان آنان از ارکان مهم شبیه خوانی های متعارف است و حکم به جواز شبیه خوانی در حقیقت امضاء اینگونه تشبّه ها نیز می باشد.

دلایل حکم به جواز تشبّه به امامان(ع) و دشمنان آنان

برای حکم به جواز به دلایل ذیل می توان تمسک جست:

۱- عمومات وارده در ثواب عزاداری سیدالشهداء زیرا بدون شک تعزیه خوانی به منظور عزاداری انجام می گیرد. [۵۷]

۲- تمسک به عمومات اعانت بر برّ و تقوی زیرا این تعزیه خوانی ها با اهداف مقدسی انجام می گیرد و تحت عنوان اعانت بر تقوا قرار می گیرد.

۳- نمونه های فراوانی در قرآن و سنت از تشبه عالی به سافل و بالعکس نقل شد که می تواند مؤید بر جواز این قبیل تشبه ها باشد.

مرحوم میرزای قمی می نویسد:

؛ با وجود آنکه می گوئیم در اخبار و السنّه اخبار تشبیه امیرالمؤمنین(ع) به شیری که حیوان است و سیدالشهداء به گوسفندی که سر آن را ببرند و نیکان و متقیان را بعزالمحجلین که امیرالمؤمنین قائد آنهاست، بسیار است پس چرا تشبیه ایشان به صورت شیعه ای از شیعیان و محبی از محبان ایشان جایز نباشد و این هتک حرمت باشد. [۵۸]

به نمونه های دیگر از این قبیل تشبّه ها مرحوم سید علی یزدی اشاره نموده و نوشته است:

؛ در اخبار است تصویر دو ملک به صورت بشر در زمان حضرت داوود و آمدن به خدمت آن بزرگوار و تصویر جبرئیل در نزد حضرت مریم به صورت بشر و تصویر جبرئیل نزد حضرت ختمی مرتبت به صورت مصیبه کلبی. تشبیه خدای متعال حضرت عیسی بن مریم(ع) را به جوانی از یهود، تشبیه حضرت امیر(ع) در حرب احیاناً به بعض اصحاب و... [۵۹]

در این نمونه هایی که ذکر گردید هم از نوع تشبیه عالی به سافل وجود دارد و هم از نوع تشبیه سافل به عالی و دال بر جواز هر دو نوع تشبیه است. و لکن در اصل صدق عنوان تشبیه بر بسیاری از این موارد اشکال است بویژه مثالهایی که مرحوم قمی زدند.

۴- اصل اباحه: در اصول ثابت شده نسبت به عملی که دلیل خاصی دال بر حرمت ندارد و از مصادیق شک در تکلیف محسوب می گردد وظیفه اجرای برداشت است و مورد ما از مصادیق روشن آن مسأله است زیرا نه تنها دلیلی بر منع دلالت نمی کند بلکه دلایل و فوایداتی دال بر جواز نیز وجود دارد و ادله قبلی اگر دال بر جواز نباشد حداقل مؤید جواز خواهند بود.



۱- این قبیل تشبه ها بدعت است:

این مسأله از مسائلی است که از اواخر سلسله صفویه میان شیعیان رایج گشته و هیچ دلیل خاصی بر جواز آن دلالت ندارد، لذا انجام آن بدعت در دین محسوب می گردد و حرمت بدعت مورد قبول و توافق همه فرق اسلامی است.

نقد و بررسی:

این شبهه بر اساس دیدگاه افراطی در باب بدعت در دین طرح شده. طبق این دیدگاه هر پدیده نوری که پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) پدید آمده بدعت و حرام خواهد بود و ما در مجله فقه شماره ۱۰ مقاله ای تحت عنوان بدعت در فقه اسلامی نوشته ایم و در آنجا این دیدگاه را به نقد کشیده و ثابت نموده ایم که کارهای نوری که داخل در اطلاق یا عموم و فحوای ادله شرعی قرار دارند مشمول ادله حرمت بدعت گذاری در دین نمی باشند و پیش از این ثابت کردیم که این قبیل نمایش ها تحت عمومات عزاداری برای سیدالشهداء و نیز عناوین بر و تقوی داخل می باشند.

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء می نویسد:

و اما بعض الأعمال الخاصة الی الشرع و لا دلیل علیها بالخصوص فلا تخلوا بین ان تدخل فی عموم و یقصد بالأتیان بها الموافقه من جهته لا من جهت الخصوصية. و كما یصنع فی مقام تعزیه الحسین من دق طبل اعلام او ضرب نحاس و تشابیه صور و لطم علی الحدود و الصدور لیکثر البطاء و العویل و ان کان فی تشبیه الحسین او رأسه او الزهراء و علی بن الحسین مطلقا او باقی النساء فی محافل الرجال و تشبیه بعض المؤمنین بیزید او الشمر و دق الطبل و بعض آلات اللهو و ان لم یکن الفرض ذالک و کذا مطلق التشبیه شبهه و الترتک اولی و جمیع ما ذکر و ما شابهه إن قصد به الخصوصية کان تشریعاً و ان لو خط فیہ الرجحانیة من جهة العموم فلا بأس به [۶۰]؛ [۶۱]

اما بعضی اعمال خاص که به دین بر می گردد و دلیل خاصی بر جواز آنها دلالت ندارد در صورتی که تحت عنوان عام داخل گردند و غرض از انجام آنها از جهت موافقت با آن عمومات باشد نه جهت خصوصیت... نظیر کارهایی که در عزاداری سیدالشهداء (ع) انجام می گیرد مانند نواختن طبل و سنج، نمایش ها، سیلی به صورت و سینه زدن که به منظور گریه بیشتر انجام می گیرد و... گرچه نمایشها در تشبیه امام حسین (ع) یا سر آن حضرت یا تشبیه حضرت زهرا (س) و امام سجاد و یا زنان دیگر در محفل مردان باشد یا تشبیه بعض مؤمنان به یزید و شمر باشد و همراه با نواختن طبل و بعض آلات لهو انجام پذیرد همه این امور جایز است. و اگر غرض از انجام این امور و نیز مطلق تشبیه و امثال آن از جهت موافقت با عمومات نباشد ترکش اولی خواهد بود. همه این امور که ذکر شد و مشابه آنها اگر به قصد خصوصیت باشد تشریح خواهد بود و اگر ملاحظه شود رجحان آن از جهت عموم مانعی نخواهد داشت.

۲- تشبه افراد عادی به امامان معصوم (ع) و بازی در نقش آنان موجب هتک حرمت اولیاء دین است و موجب پائین آوردن شخصیت امامان تا سر حد افراد معمولی است و هتک حرمت آنان به نص کتاب و سنت حرام است.

مرحوم میرزای قمی در پاسخ این شبهه می نویسد:

و اما تشبه افراد عادی به امامان معصوم (ع) و بازی در نقش آنان موجب هتک حرمت بزرگان دین است. این توهم فاسد است زیرا که مراد تشبیه نفس به نفس و شخص به شخص نیست بلکه تشبیه صورت و زی و لباس است محض از برای تذکره احوال ایشان. [۶۱]؛ [۶۲]

۳- در خصوص تشبه به دشمنان دین اشکال دیگری نیز مطرح است و آن این است که در نصوص از تشبه به آنان منع شده است.

مرحوم سید علی یزدی در پاسخ این شبهه نوشته:

&laquo; از تشبیه نه در مجرد هیأت و صورت است بلکه مراد تشبیه در اعمال و افعال است که تشبیه خود را از آنان و عداد آنان قرار دهد و یا مراد از تشبیه مودت و رفاقت و تزئین طریقه و استحسان رویه آنهاست و بر تقدیر تسلیم گوئیم نسبت میان این خبر و عموماً ابکاء، عموم من وجه است و ترجیح از برای ثانی است با اعتضاد به اصل پس حق جواز است به مقتضای اصل. [۶۲] &raquo;

در خصوص تشبیه به مجوس روایتی است که توجیه فوق نمی تواند در آن پیاده شود:

روی الصدق باسناده عن اسماعیل بن مسلم عن الصادق(ع)

انه قال(ع): &laquo; وحي الله الى نبي من انبيائه قل للمؤمنين لا يلبسوا ملابس اعدائى... فتكونوا اعدائى كما هم اعدائى [۶۳] &raquo;

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرد به مؤمنان بگو نپوشند لباس دشمنان من را... که شما هم دشمن من خواهید شد چنانکه آنان دشمن بودند.

بررسی:

آیا روایت بر منع پوشیدن لباس دشمنان ولو چند لحظه و با غرض عقلایی می کند یا نه؟ مسلم چنین دلالتی ندارد زیرا این قبیل روایات به عرف القاء شده و روشن است که از نظر عرفی به چنین کسی گفته نمی شود که ملبس به لباس دشمنان گشته. افزون بر اینکه مسأله با صیغه مضارع بیان شده و صیغه مضارع دلالت بر نوعی استمرار و عادت دارد بنابراین روایت ناظر به کسانی است که بطور مستمر لباس دشمنان دین را پوشیده و به زی آنان درآمده باشند.

ب - اشکالات محتوایی

مشکل عمده تعزیه خوانی ها اشکالات محتوایی آنهاست و این اشکالات به دو نوع تقسیم می کردند:

۱- تعزیه هایی که با منابع تاریخی و روایی انطباق ندارند. نظیر دامادی حضرت قاسم(ع)، تعزیه فاطمه صغری و خبر دادن مرغ به ایشان داستان شهادت پدرش را.

۲- تعزیه هایی که گرچه شاید از جنبه تاریخی اشکالی نداشته باشند اما از جهت روح و پیام تعزیه اشکال دارند و در آنها اهل بیت عصمت و طهارت به گونه ای جلوه داده می شوند که مطابق با مقام و عظمت آنها نمی باشد همچون القاء این فکر که امام حسین(ع) و یارانش برای گناه امت فدا شدند و...

عوامل پیدایش اینگونه اشکالات

علل و عوامل گوناگونی در این انحرافات مؤثر بوده است از قبیل: تأثیر فرهنگ شاهنشاهی، استناد به مقاتلی که وقایع کربلا را به گونه غیر واقع تصویر و حتی تحریف کرده اند، هدف را صرفاً گریه قرار دادن و برای تحقق آن به هر چیزی متوسل شدن و... که در این مقال مجال طرح و بررسی آنها نیست و در پایان از دست اندرکاران فرهنگ کشور تقاضا داریم که به داد این هنر مذهبی و سنتی برسند و با اصلاح و تکمیل آن در مبارزه با تهاجم فرهنگی استکبار جهانی از آن استمداد جویند. و بار دیگر از کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا تشکر می کنم که زمینه را برای عرضه این قبیل مباحث فراهم ساختند.

پای نوشتها:

- [۱]- تعزیه، نیایش و نمایش در ایران. پترجی چلکووسکی، ترجمه داود حائمی / ۷۱. انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲]- سفرنامه دروویل، سرهنگ گاسپال / ۱۴۰ بنگاه مطبوعاتی گوتمبرگ، تهران.
- [۳]- سفرنامه اوژن فلاندرن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی / ۱۱۸ انتشارات اشراقی، تهران.
- [۴]- سفرنامه کنت ژوزف دوگوبینو (سه سال در آسیا) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی / ۴۳۱ کتاب سرا، تهران.
- [۵]- جامع الشتات، ابوالقاسم قمی معروف به میرزائی قمی / ۸۱۶ کتاب المتفرقات - چاپ نامعلوم.
- [۶]- کشف الغطاء عن مبهمات شریعة العزاء، شیخ جعفر کاشف الغطاء / ۵۳ انتشارات مهدوی، اصفهان.
- [۷]- عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، علی ربانی خلخالی / ۴۷ انتشارات مکتب الحسین قم.
- [۸]- همان منبع.
- [۹]- همان منبع / ۵۷.
- [۱۰]- همان منبع.
- [۱۱]- استفتائات از محضر امام خمینی ج ۲ / ۲۷ دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- [۱۲]- [از سوی مؤلف ذکر نشده است].
- [۱۳]- استفتائات از محضر امام خمینی ج ۲ / ۲۷ دفتر انتشارات اسلامی قم.
- [۱۴]- [از سوی مؤلف ذکر نشده است].
- [۱۵]- [از سوی مؤلف ذکر نشده است].
- [۱۶]- امیر کبیر قهرمان مبارزه با استعمار. اکبر هاشمی رفسنجانی / ۱۴۶ و ۱۵۸ انتشارات فراهانی، تهران.
- [۱۷]- شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، محقق حلی ج ۱ - ۴ / ۲۶۴ دارالهدی للطباعة و النشر، قم.
- [۱۸]- نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام، علامه حلی ج ۲ / ۴۶۹ دارالأضواء، بیروت.
- [۱۹]- الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة - شهید ثانی ج ۳ / ۲۱۶ دارالعالم الاسلامی بیروت.
- [۲۰]- جامع المقاصد فی شرح القواعد، شیخ علی بن الحسین الکرکی ج ۴ / ۲۵، مؤسسه آل اللبیت، قم.
- [۲۱]- مسالک الأفهام فی شرح شرایع الإسلام - شهید ثانی ج ۱ / ۱۳۰ - دارالهدی للطباعة و النشر، قم.
- [۲۲]- الروضة الهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ج ۳ / ۲۱۶.

- [٢٣]- جامع المقاصد ج ٤ / ٢٥.
- [٢٤]- مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان - مقدس اردبيلى ج ٨ / ٨٥، مؤسسة النشر الاسلامى.
- [٢٥]- الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، شيخ يوسف بحراني ج ١٨ / ١٩٨ - دارالأصوات، بيروت.
- [٢٦]- الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، شيخ يوسف بحراني ج ١٨ / ١٩٨ - دارالأصوات بيروت.
- [٢٧]- كتاب المكاسب، شيخ انصارى ج ١ / ١٧٣، لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم، قم.
- [٢٨]- حاشية المكاسب، سيد محمد كاظم طباطبائى يزدي / ١٦ اسماعيليان، قم.
- [٢٩]- مستمسك العروة الوثقى، سيد محسن طباطبائى حكيم ج ٥ / ٣٩٤، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، قم.
- [٣٠]- مصباح الفقاهه، خوئى ج ١ / ٢٠٧، انتشارات وجدانى، قم.
- [٣١]- حواشى عروة الوثقى، سيد يزدي ج ١ / ٥٦٨، مكتبة العلمية الاسلاميه، تهران.
- [٣٢]- الزواجر عن اقتراف الكبائر. ابن حجر المكى اليتيمى ج ١ / ٢٥٦، دار الكتب العلمية، بيروت.
- [٣٣]- وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى ج ١٢ / ٢١١ ب ٨٧ ابواب مايكسب به حديث ١ المكتبة الاسلاميه، تهران.
- [٣٤]- رجال النجاشى، احمد بن على النجاشى، تحقيق محمدجواد نائينى ج ٢ / ١٣٢.
- [٣٥]- الحدائق ج ١٨ / ١٩٨.
- [٣٦]- مفتاح الكرامة فى شرح قواعد العلامة - محمدجواد حسينى عاملى ج ٤ / ٦٠ مؤسسه آل البيت، قم،
- [٣٧]- كتاب المكاسب ج ١ / ١٧٣.
- [٣٨]- مصباح الفقاهه ج ١ / ٢٠٧.
- [٣٩]- الحدائق ج ١٨ / ١٩٨.
- [٤٠]- كتاب المكاسب ج ١ / ١٧٣.
- [٤١]- وسائل الشيعه ج ١٤ / ٢٦٢ ب ٢٤ ابواب النكاح المحرم حديث ٦.
- [٤٢]- حاشية المكاسب، ميرزا على الايروانى / ١٩ مطبعة رشديه، تهران.
- [٤٣]- حاشيه المكاسب، سيد محمد كاظم يزدي / ١٦.
- [٤٤]- همان منبع.
- [٤٥]- جامع المدارك فى شرح المختصر النافع، سيد احمد الخوانسارى ج ٣ / ٣٤، اسماعيليان، قم.

[۴۶]- حاشیة المكاسب، سيد محمد كاظم يزدی / ۱۶.

[۴۷]- مصباح الفقاهه ج ۱ / ۲۱۰.

[۴۸]- وسائل الشيعه ج ۳ / ۳۵۴ ب ۱۳ ابواب احكام الملابس حديث ۱.

[۴۹]- همان منبع ج ۲.

[۵۰]- همان منبع ب ۱۲ احاديث او ۲ و ۳ و ۴.

[۵۱]- همان منبع ج ۱.

[۵۲]- مصباح الفقاهه ج ۱ / ۲۱۰.

[۵۳]- عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه / ۴۷.

[۵۴]- جامع الشتات / ۸۱۶.

[۵۵]- الآيات البينات فى قمع البدع و الضلالات، محمدحسين آل كاشف الغطاء / ۲۰ مطبعة علويه، نجف اشرف.

[۵۶]- منية المسائل، خوئی / ۲۱۲ مطبعة علمه، طبع سوم.

[۵۷]- وسائل مظفری / ۱۷۱ مطبعة شاهنشاهی طبع سال ۱۳۲۰ هـ.ق

[۵۸]- جامع الشتات / ۸۱۶.

[۵۹]- وسائل مظفری / ۱۷۱.

[۶۰]- كشف الغطاء / ۴۳.

[۶۱]- جامع الشتات / ۸۱۶.

[۶۲]- وسائل مظفری / ۱۷۱.

[۶۳]- وسائل الشيعه ج ۳ / ۲۷۹ ب ۱۹ لباس مصلی حديث ۸.

نویسنده: عقوبعلی برجی

منبع: اولین کنگره عاشورا، دفتر اول، چشمه خورشید.